

زندگانی حضرت زهرا علیہا السلام

ترجمہ کتاب
وفاء الصبیحة الزمراء علیہا السلام

سید عبدالرزاق مہرم

مترجم
ابن اسیم سلطان فیضی

سرشناسه	مقدم، عبدالرزاق، ۱۸۹۸ - ۱۹۷۱ م.
عنوان و نام پدیدآور	زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) / عبدالرزاق مقدم، [مترجم: ابراهیم سلطانی نسب]
مشخصات نشر	تهران: آرام دل، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۲۱۰ ص.
شابک	978-964-199-077-2
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان فرادادی	وفاة الصديقة الزهراء (عليها السلام). فارسی.
موضوع	فاطمه زهرا (س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - سرگذشتنامه
موضوع	فاطمه زهرا (س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - خطبه‌ها
موضوع	شعر مذهبی عربی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	سلطانی، ابراهیم، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۸۸ ۷۰۴۱ و ۶ / ۲ / ۲۷ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۱۶۶۲۷۳۸

زندگانی حضرت زهرا (ع)

موضوع: زندگی حضرت زهرا (ع) از ولادت تا شهادت
(ترجمه کتاب شریف وفاء الزهراء (ع))

مؤلف: علامه سید عبدالرزاق مقدم

مترجم: ابراهیم سلطانی نسب

نصیح: کاظم عمرانی

مقابله: علی رضانب

ناشر: آرام دل

ناظر چاپ: حسین رضانب

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

طرح و اجرا: کانون شهید بهشتی (ره)

آدرس: تهران، بزرگراه آیت الله سعیدی، چهارراه یافت‌آباد، بلوار معلم.

شهری صاحب الزمان (عج) خیابان شهید نیک ملکی، مسجد امیرالمؤمنین علی (ع)

تلفکس: ۶۶۲۰۸۸۰۸ تلفن: ۹۱۲۴۷۹۲۵۵۰

فهرست مطالب

۷	زندگی نامه مؤلف
۹	اساتید مؤلف
۱۰	مقام علمی مؤلف
۱۱	آثار ارزشمند مؤلف
۱۴	سروده های مؤلف
۱۵	به سوی جهان ابدی
۱۷	پیشگفتار

۵

فصل اول: ولادت و القاب

۲۶	ازدواج پیامبر ﷺ با خدیجه
۳۶	کناره گیری پیامبر ﷺ از خدیجه
۴۰	ولادت فاطمه زهرا
۴۲	نام ها و القاب حضرت فاطمه زهرا
۴۸	ویژگی های حضرت فاطمه زهرا

فصل دوم: ازدواج حضرت فاطمه

۵۴	ازدواج فاطمه زهرا
۶۸	جریان ولیمه
۷۴	جریان زفاف

فصل سوم: فضایل و کرامات

۷۸	جریان گردنبند حضرت فاطمه
۸۳	جایگاه حضرت فاطمه زهرا در روز محشر
۸۷	تسبیح حضرت زهرا
۹۱	حدیث کساء

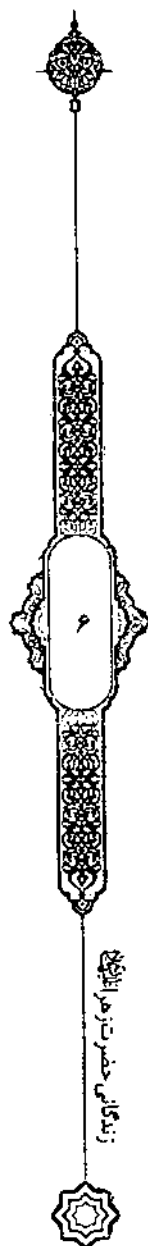
۹۴	حدیث کساء به روایت کتاب منتخب طریحی
۹۸	عصمت صدیقه طاهره علیها السلام

فصل چهارم: مظلومیت

۱۰۴	مظلومیت خاندان پیامبر
۱۰۸	رضایت بر صبر
۱۱۱	ماجرای خانه زهرا علیها السلام
۱۱۸	کلام امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۳۰	جریان فدک
۱۴۰	ارت
۱۴۳	نوشته‌ام را پاره کردی!
۱۴۴	خطبه حضرت صدیقه زهرا علیها السلام
۱۴۵	علمایی که خطبه را نقل کرده‌اند
۱۴۹	خطبه اول
۱۷۸	فدک در روزگار خلفاء

فصل پنجم: شهادت

۱۸۲	ناله‌های فاطمه علیها السلام بر پدر
۱۸۴	بیت الاحزان
۱۸۶	خطبه دوم
۱۸۹	عیادت أم سلمه از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۱۹۰	سخن ایشان با دختر طلحه
۱۹۱	عیادت ابوبکر و عمر
۱۹۳	عیادت عباس بن عبدالمطلب
۱۹۵	وصیت
۱۹۷	در دوران بیماری
۱۹۹	روز وفات
۲۰۱	غسل و کفن
۲۰۴	نیت نبش قبر
۲۰۵	بعد از دفن
۲۰۷	تاریخ شهادت



زندگی‌نامه مؤلف

سید عبدالرزاق موسوی مَقَرَّم رحمته الله، فرزند سید محمد، فرزند سید حسن، فرزند سید قاسم نَسَّابَه، از تبار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و چهره‌ی درخشان خاندان مَقَرَّم، در نجف اشرف، نعمانیّه، دیوانیّه، و بلاد هند است.

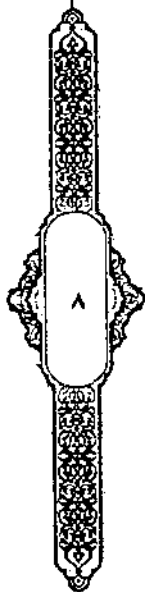
«مَقَرَّم» در لغت به معنای رئیس و پیشوا است،^(۱) و ریشه‌ی آن قَرَم به معنای کاردانی و دوراندیشی است، و در حدیث از پیشوای پرهیزگاران امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که از خود به قَرَم تعبیر نموده، آنجا که فرموده است: أَنَا أَبُو الْحَسَنِ الْقَرُمُ.^(۲) ابن اثیر در توضیح معنای حدیث گفته: «منظور از قَرَم صاحب اندیشه‌ی برتر است.»^(۳)

چقدر مناسب است که مؤلف بزرگوار، آن پیشوای گرانمایه، که از اندیشه‌ای بلند برخوردار است و خود از تبار پیشوای انس و جان، مولای متّقیان، امیرمؤمنان علیه السلام است، به این لقب شایسته و

۱. نهایه‌ی ابن اثیر، ج ۴ ص ۵۰.

۲. لسان العرب ج ۱۲ ص ۴۷۳.

۳. نهایه ج ۴ ص ۴۹.



برجسته (مقرّم) موسوم گردیده است.

مرحوم مقرّم در سال ۱۳۱۶ هـ ق در سرزمین مقدس نجف اشرف، در خانه‌ی تقوا و فضیلت، از پدر و مادری نیک سیرت دیده به جهان گشود.

پدرش سید محمد مقرّم، متوفای ۱۳۵۱ هـ ق مردی زاهد و پارسا بود که بیشترین وقت خود را در مسجد سهله و مسجد اعظم کوفه به عبادت سپری می‌کرد و علیرغم فقر و تنگدستی شدیدی که داشت، لحظه‌ای در تربیت فرزند برومندش کوتاهی نکرد و وسائل تحصیل او را مهیا نمود تا در زمره‌ی یکی از علمای پژوهشگر جای گرفت.

مادر گرامیش علویّه‌ی صالحه‌ای بود که قاری قرآن بود و در اداره‌ی منزل و پرورش اولاد بسیار کوشا بود که در سال ۱۳۷۰ هـ ق دیده از جهان فرو بست.

نیای مادرش مرحوم سید حسین، متوفای ۱۳۳۴ هـ ق امام جماعت و مدرس در نجف اشرف بود و در تعلیم و تربیت مرحوم مقرّم سهم بسزایی داشت.

عمویش سید مهدی مقرّم مرد جهاد و فضیلت بود و با دستگاه جنایت پیشه‌ی عثمانی مبارزه‌ی فراوانی نمود تا سرانجام در شهر کوت^(۱) دستگیر شد و در سال ۱۳۳۴ هـ ق به دست دست نشانندگان خلفای عثمانی به دار آویخته شد.

نیای سؤم مقرّم، مرحوم سید قاسم نسابه، فرزند سید حسّون،

۱. کوت، یکی از شهرهای عراق و مرکز استان واسط است.

از زادگاه خود حَسَکَه^(۱) به نجف اشرف مهاجرت نمود و به مجاورت حرم مطهر مولای متقیان مفتخر گردید. و بدینگونه خاندان مقرر از قرن دوازدهم هجری در نجف اشرف اقامت گزیده‌اند.

مرحوم سید قاسم بن حَسُون از علمای برجسته و از نسب شناسان گرانقدری است که بر بسیاری از کتابهای نسب چون «الأنساب» فتونی و «عمدة الطالب» ابن عنبه‌ی داودی، حاشیه نوشته است.

اساتید مؤلف

مرحوم مقرر از محضر اساتید بسیاری استفاده کرد و از خرمن علمی آنان خوشه چید، که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نیای مادری‌اش، مرحوم سید حسن. متوفای ۱۳۳۴ هـ ق که در تربیت او بسیار کوشید.

۲. مجاهد گرانقدر شیخ محمد جواد بلاغی. متوفای ۱۳۵۲ هـ ق و صاحب آثار گرانقدری چون «الهدی الی دین المصطفی» و «الرحلة المدرسیة»، که در روح و جان مؤلف بسیار اثرگذار و او را به صورت پژوهشگری خستگی‌ناپذیر تربیت نمود.

۳. محقق بزرگوار مرحوم میرزا محمد حسین نائینی، متوفای ۱۳۵۵ هـ ق.

۴. فقیه بزرگوار مرحوم شیخ محمد اصفهانی، متوفای سال ۱۳۶۱ هـ ق.

۱. حَسَکَه، یکی از شهرهای سوریه و مرکز استان حَسَکَه، در کنار رود خاربور است (اعلام المنجد).

۵. مجتهد گرانقدر مرحوم آقا ضیاء عراقی، متوفای سال ۱۳۶۱ هـ.ق.

۶. زعیم و سرپرست حوزه، مرحوم حاج سید ابوالحسن اصفهانی، متوفای سال ۱۳۶۵ هـ.ق.

۷. علامه‌ی گرانقدر مرحوم شیخ محمد رضا آل کاشف الغطاء، متوفای سال ۱۳۶۶ هـ.ق.

۸. مرجع فقید شیعه، مرحوم سید محسن حکیم، متوفای سال ۱۳۹۰ هـ.ق.

۹. علامه‌ی گرانمایه مرحوم شیخ حسین حلی، متوفای سال ۱۳۹۴ هـ.ق.

۱۰. مرجع اعلان جهان تشیع حضرت آیت الله خوئی اعلی الله مقامه.

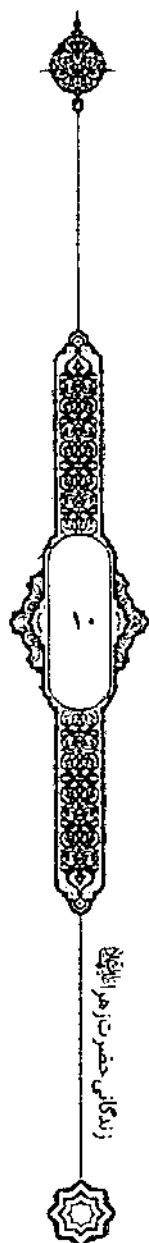
◀ مقام علمی مؤلف

مرحوم مقرّم به دلالتی ترجیح می‌داد که عمر گرانمایه‌ی خود را در تحقیق و کنکاش در بحثهای اعتقادی و مرزبانی از حریم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام سپری کند ولی در فقه و اصول نیز تلاش فراوان نمود و آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت که از آن جمله است تعلیقات او بر کتابهای:

۱. المحاضرات فی الفقه الجعفری، مرحوم سید علی شاهرودی.

۲. الدّراسات، مرحوم شاهرودی.

۳. کفایة الاصول، مرحوم آخوند.



۴. مکاسب، مرحوم شیخ انصاری.

در این زمینه فرازی از یک نشریه‌ی ارزنده را می‌آوریم:
عالم بزرگوار سید عبدالرزاق مَقَرَّم دریائی بیکران بود که نه تنها در فقه و اصول، بلکه در حدیث و ادب و فلسفه، کعبه‌ی آمال حقیقت‌جویان و دانش‌پژوهان بود. مرحوم مَقَرَّم اندیشه‌ای بلند و علمی وافر داشت که در همه‌ی اقوال و اعمالش صریح و به دور از پیرایه بود.... مطالعه‌ی یکی از آثار او، برای شناخت اندیشه‌ی زلال، دانش بیکران، ذوق سرشار و اطلاعات گسترده‌ی او کافی است. او با این دانش وسیع و تحقیقات عمیق، هرگز جامه‌ی فخر نپوشید و همواره تواضع و فروتنی را پیشه ساخت.^(۱)

آثار ارزشمند مؤلف

مرحوم مَقَرَّم نخستین بار که قلم در دست گرفت، کتاب ارزشمند «الکلم الطیب» مرحوم شیخ حسن سبّتی را شرح کرد ولی پیش از آنکه آن را تمام کند به تألیف کتاب ارزشمند «زید شهید» پرداخت و دیگر به تکمیل آن موفق نشد.
«الکلم الطیب» قصیده‌ی بانیّه‌ی مفصلی است به نام «أنفع الزّاد فی النّبی و آله الأمجاد» که تاریخ زندگانی معصومین علیهم‌السلام را در یک قصیده‌ی طولانی (در حدود ۱۵۰۰ بیت) به نظم در آورده است. شاعر گرانقدر اهل بیت علیهم‌السلام مرحوم شیخ حسن سبّتی این اثر گرانمایه را در سال ۱۳۴۷ هجری سروده، و بسیاری از ادبای عصر بر آن تقریظ نوشته‌اند و مرحوم مَقَرَّم فرازهایی از آن را شرح

نموده است.^(۱)

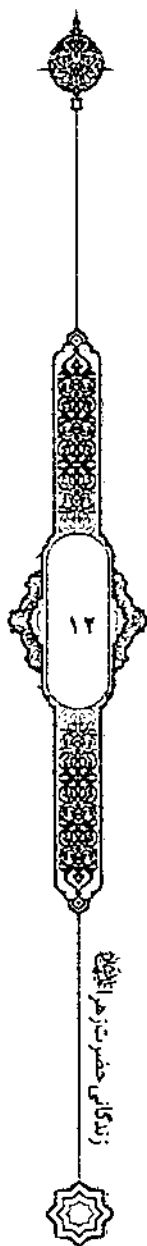
روی این بیان «زید شهید» اولین اثر مرحوم مقرر به شمار می‌آید و اولین اثر مطبوع اوست.^(۲)

و اینک فهرست آثار مؤلف را در دو بخش تقدیم می‌کنیم:

۱. زید شهید علیه السلام.
۲. مختار ثقفی علیه السلام.
۳. سیده سکینه علیها السلام.
۴. مقتل الحسین علیه السلام.
۵. الصدیقة زهراء علیها السلام.
۶. امام زین العابدین علیه السلام.
۷. امام رضا علیه السلام.
۸. امام جواد علیه السلام.
۹. قمر بنی هاشم علیه السلام.
۱۰. علی اکبر علیه السلام.
۱۱. مسلم بن عقیل علیه السلام.
۱۲. سرّ الایمان (شهادت ثلثه).
۱۳. يوم الأربعین عند الحسین علیه السلام.
۱۴. المحاضرات فی الفقه الجعفری.
- (ب) آثار چاپ نشده‌ی مؤلف:
۱۵. المنقذ الأكبر محمد علیه السلام.
۱۶. امام حسن مجتبی علیه السلام.
۱۷. عاشورا فی الاسلام.

۱. الذریعه ج ۲ ص ۴۰۰.

۲. همان ج ۱۲ ص ۸۹.



۱۸. الأعياد فى الاسلام.

۱۹. ذكرى المعصومين عليه السلام.

۲۰. زينب عقیله عليها السلام.

۲۱. میثم تمّار عليه السلام.

۲۲. ابوذر غفارى عليه السلام.

۲۳. عمّار یاسر عليه السلام.

۲۴. نقل اموات در فقه اسلامى.

۲۵. نقد تاریخ، در شش بخش.

۲۶. حلق لحیه.

۲۷. دراسات فى الفقه والتاریخ.

۲۸. ربائب الرسول.

۲۹. الكنى و الألقاب.

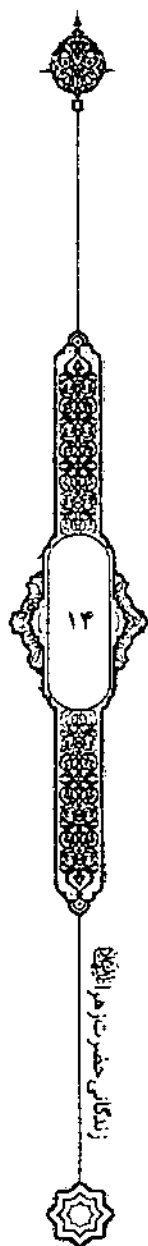
۳۰. حاشیه بر كفایه.

۳۱. حاشیه بر مكاسب.

۳۲. نوادر الآثار.

۳۳. يوم الغدير.

از نکات بارز تألیفات وی، دقت در بررسی روایات تاریخی و تسلط آشکار بر آن متون است. علامه مقرّم، علاوه بر تألیفات کتب فوق، با گروهی از دانشمندان نیمه‌ی دوّم قرن گذشته‌ی نجف اشرف، که دست اندرکار احیای متون قدیمی شیعی بودند، همکاری و معاونت داشته، مقدّمات و تعلیقات مفید و ارزشمندی بر این کتابها نوشته است. از جمله متونی که با همکاری ایشان به چاپ رسیده است، کتب زیر را می‌توان نام برد:



۱. دلایل الامامة: محمد بن جریر طبری امامی.
 ۲. امالی، شیخ مفید.
 ۳. خصائص الائمة، سید رضی.
 ۴. الملاحم والفتن سید علی بن طاووس.
 ۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن طاووس.
 ۶. اثبات الوصية، علی بن حسین مسعودی.
 ۷. الکشکول، سید حیدر آملی.
 ۸. بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، عماد الدین طبری.
 ۹. الجمل، شیخ مفید.
 ۱۰. طُرف من الانباء والمناقب، سید علی بن طاووس.
- علامه مقرر، هر سال مجالس متعددی در روزهای موالید و وفایات معصومین علیهم السلام برپا می‌کرد. بخشی از کتاب «نوادر الآثار» ایشان، شامل قصایدی است که وی در این مجالس ایراد کرده است.

◀ سروده‌های مؤلف

مرحوم مقرر در فنون شعر مهارت نداشت ولی به دلیل عشق سرشاری که به اهل بیت علیهم السلام داشت، در مناقب و مرثیاتی آنها اشعاری سروده، که به تناسب موضوع کتاب، دو بیت از قصیده‌ای را که خطاب به قمر بنی هاشم علیه السلام سروده در اینجا می‌آوریم:

اباالفضل یا نور عین الحسین و یا کافل الظعن یوم المسیر
أعرض عنی و انت الجواد و کھف لمن یا بالحمی یستجیر

«ای اباالفضل! ای نور دیده حسین علیه السلام! ای پناه پناهندگان در روزی که رخت سفر بربندند و به سویت بشتابند.

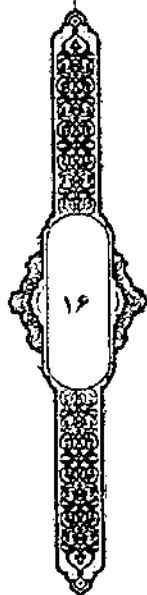
تو با این جود و کرم سرشارت که داری و به هر کسی که به بارگاہت پناه آورد، پناه می‌دهی؛ آیا ممکن است که از من روی برگردانی و توجّهی نفرمائی.»

به سوی جهان ابدی

مرحوم مقرّم پس از ۷۵ سال زندگی پربار، که تمامش را با تحقیقات علمی و دفاع از حریم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام سپری شد، سرانجام روز هفدهم محرم الحرام ۱۳۹۱ هـ.ق (۳/۱۵/۱۹۷۱ م) دعوت حق را لبیک گفت و به سوی نعمتهای جاوید حق تعالی شتافت.

در سوگ مقرّم، چکامه‌ها و سوگندنامه‌های فراوانی سروده شد که شاید شیواترین آنها قصیده‌ی خطیب و شاعر اهل بیت استاد شیخ احمد وائلی باشد، که این سطور را با نقل فرازی از آن، حسن ختام می‌بخشیم:

ایه عبدالرزاق یا ألق الفکر	و روح الايمان والأخلاق
ان قبر أحللت فيه لروض	سوف تبقى فيه لیوم التلاقی
فاذا ما بعثت حفت بك الأع	مال بیضاء حلوة الاشراق
فحسان الأصول والفقه والتاری	خ قلدن منك بالأعناق
و مدى الطف يوم سجلت فيه	لحسین و اله والرفاق
صفحات من التبحر و التمحی	ص تزری بأنفس الأعلاق
فی حسین و سوف تلقی حسینا	وتری الحوض مترعا و الساقی
هذه عندك الشفیع و ما	عند الهی خیر و أبقی البواقی
مستمیحا عطاء ربک ارخ	رخت عسبد الرزاق للرزاق
«ای عبدالرزاق! که که طائر اندیشه‌ات از فلک گذشت و در ایمان و	



اخلاق اسوه همگان شدی.

آرامگهی که در آن غنودی بوستانی است، که تا هنگامهی رستاخیز، در آن شاد و خرمی.

چون به روز رستاخیز برخیزی، اعمال نیکویت چون هاله‌ای نور، گرد ترا فراگیرد.

از فقه و اصول و تاریخ، دسته‌های گلی بر گردن خواهی داشت.

به پاس عمری که در نگارش حوادث عاشورا و تاریخ سالار شهیدان امام حسین و اهل بیت (علیهم السلام) و اصحابش، سپری کردی.

و به پاس صفحاتی نورانی که از تحقیق و کنکاش طعنه به نفیس‌ترین اشیاء می‌زند، درباره‌ی حسین (علیه السلام) نگاشتی.

در آن سرای سرمدی، مولایت حسین (علیه السلام) را دیدار نمائی و از حوض کوثر سیراب گردی و بر کرانه‌اش پای نهی. این سوگنامه‌ی حسین (مقتل الحسین) بهترین شفیع تست، که آنچه نزد پروردگار است، بهترین باقیات و پاینده‌ترین خیرات است.

به امید عطای پروردگار تاریخ بگذار: «رخت عبدالرزاق»: ای عبدالرزاق به سوی پروردگار رزاق، رخت بربستی.

جمله‌ی «رُخْتُ عَبْدِ الرَّزَّاقِ لِلرَّزَّاقِ» ماده‌ی تاریخ رحلت مرحوم مقَرَّم است که به حساب ابجد ۱۳۹۱ می‌شود. خدایش رحمت کند و از حوض کوثر به دست مولای بزرگوارش سیراب فرماید. (۱)

۱. شرح زندگینامه سید عبدالرزاق موسوی مقَرَّم (علیه السلام) از مقدمه کتاب «العباس» - سردار کربلا - با ترجمه ناصر پاکباز و کتاب «الامام الجواد (علیه السلام)» - نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (علیه السلام) - با ترجمه دکتر پرویز لولوار برداشت شده است.

پیشگفتار

سپاس و بزرگی مخصوص خداوند است و درود بر محمد ﷺ پیام آور خداوند و اهل بیت او که پاسبانان وحی اند و هادیان امت، اما بعد: نوفلی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن، خداوند را یاد نکنند و بر من صلوات نفرستند، آن مجلس برای آنان جز حسرت و زیان، چیزی در بر ندارد.»^(۱)

و نیز آن حضرت فرموده است:

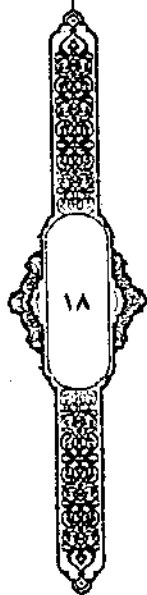
«با آوای بلند بر من صلوات بفرستید که نفاق را از بین می برد.»^(۲)

و از ابن عباس نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«خداوند متعال، مردم را از شجره های (خلقت های) گوناگون آفرید ولی من و علی را از یک شجره خلق فرمود، پس

۱. کتاب شریف وافی ملا محسن فیض کاشانی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۶.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق علیه السلام، ص ۹۶.



درباره‌ی درختی که من اصل و تنه آن، فاطمه شاخه آن، علی
مایه باروری آن، حسن و حسین میوه‌های آن و شیعیان ما
برگ‌های آن هستند چه می‌گوئید پس هر کس بر شاخه‌ای از
شاخه‌های این درخت دست بیاویزد و تمسک جوید به بهشت
رهنمون می‌شود و هر که از این درخت دوری گزیند و به
شاخه‌های آن تمسک نجوید در آتش جهنم فرو خواهد افتاد.

و در این باب ابویعقوب بصری چنین سروده است:

(۱) یا حَبْدًا دُوْحَةً فِی الْخُلْدِ نَابِتَةً

مَا مِثْلُهَا أَبَدًا فِی الْخُلْدِ مِنْ شَجَرٍ

(۲) الْمُصْطَفَى أَصْلُهَا وَ الْفَرْعُ فَاطِمَةُ

ثُمَّ اللَّقَاحُ عَلٰی سَيِّدِ الْبَشَرِ

(۳) وَ الْهَاشِمِيَّانِ سَبْطَاهُ لَهَا ثَمَرُ

وَ الشَّيْعَةَ الْوَرَقُ الْمَلْتَفُ بِالْثَمَرِ

(۴) هَذَا مَقَالُ رَسُولِ اللَّهِ جَاءَ بِهِ

أَهْلُ الرِّوَايَةِ فِی الْعَالِی مِنْ الْخَبَرِ

(۵) أَنِّی بِحُبِّهِمْ أَرْجُو النِّجَاةَ غَدًا

وَالْفَوْزَ فِی زَمْرَةٍ مِنْ أَفْضَلِ الزَّمَرِ (۱)

(۱) مرجبا بر درخت سایه‌گستری که در بهشت روئیده است، هرگز
فردوس برین درختی چنین به خود ندیده.

(۲) درختی که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله اصل و تنه آن و فاطمه زهرا علیها السلام

شاخسار آن است که [شکوفه‌های آن را] سرور اهل عالم علی بن

ایطالب علیه السلام بارور نمود.

(۳) این درخت طیبه را دو هاشمی نسب که همان نوه‌های پیامبر هستند ثمر و نتیجه‌اند و شیعیان ایشان همچون برگ‌هایی که میوه را در بر می‌گیرند بدورشان حلقه زده‌اند.

(۴) این بیان رسول خداست که (چنین در وصف آل عبا علیهم السلام سخن گفته است) راویان حدیث در روایات معتبر نقل نموده‌اند.

(۵) و من بواسطه محبتی که از خمسه طیبه در دل دارم امید نجات در روز محشر را دارم به امید آن که در میان بهترین مردمان در روز حشر و خلد برین سربلند و سرافراز باشم.

این شاذان از سلمان فارسی رضی الله عنه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد با من در بهشت [هم‌درجه و هم‌نشین] خواهد بود و هر کس با او دشمن باشد جایگاهش در آتش [جهنم] خواهد بود؛ دوستی و محبت فاطمه در صد جایگاه به فریاد و کمک دوستدارانش می‌رسد که سهل‌ترین این مکان‌ها، هنگام مرگ و در میان قبر، نزد میزان، هنگام محشر و زمان حساب است؛ پس هر کس فاطمه از او راضی باشد من نیز از او راضی خواهم بود و هر کس فاطمه بر او خشم گیرد من نیز بر او غضبناک خواهم بود و هر کس که من بر او غضب نمایم خداوند بر او غضب می‌نماید؛ وای بر کسی که بر فاطمه و اولاد و شیعیانش ظلم نماید.» (۱)



خداوند نور فاطمه علیها السلام را قبل از آفرینش آسمان‌ها و طبقات زمین آفرید؛ از حضرت پرسیدند: مگر فاطمه انسان نیست؟
حضرت پاسخ داد:

«به درستی که فاطمه، حورانی در قالب انسان است؛ خداوند او را در صلب آدم به ودیعه نهاد و از صلب من خارج کرد، پس هر زمان مشتاق بوبیدن رایحه بهشت شوم، دخترم فاطمه را می‌بویم.»^(۱)

- (۱) تمثلت رقیقة الوجود لطيفة جلّت عن الشهود
(۲) تطورت فی افضل الأطوار نتیجة الأدوار و الأکوار
(۳) تصورت حقيقة الکمال بصورة بدیعة الجمال
(۴) فانها الحوراء فی النزول وفي الصعود محور العقول^(۲)

(۱) فاطمه علیها السلام مجسم کننده زیبایی آفرینش است، زیبایی و جمالی که برتر از آن است که در منظر عالمیان بگنجد
(۲) (خداوند) وجود فاطمه علیها السلام را به بهترین کیفیت و وضعیت ممکن در جریان تکامل خلقت، پدید آورده است
(۳) وجود فاطمه علیها السلام حقیقت کمال خلقت را به شکلی زیبا و تازه تجسم می‌نماید

(۴) چرا که او در میان اهل زمین همچون حوراء (انسیه) است و در عالم بالا در میان حوریان و فرشتگان اساس عقل کامل و در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

۱. تفسیر فرات، ابراهیم بن فرات کوفی، ص ۱۰.

۲. از قصیده حجت، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی رحمته الله.



«خداوند پیش از آفرینش هستی پنج جلوه نور از نور جلال خویش آفرید و هر یک را به اسمی از اسماء خود نامگذاری نمود؛ خداوند حمید است پس یکی از انوار را محمد نامید؛ خداوند اعلیٰ است پس نام امیرالمؤمنین علی را برای یکی دیگر از انوار برگزید و خداوند دارای اسماء حسنی است، پس نام حسن و حسین را از اسماء حسنای خود مشتق کرد و خداوند فاطر است پس برای فاطمه نامی از اسماء خویش برگزید؛ خداوند پس از آفرینش این پنج نور، آنان را در میثاق در سمت راست عرش خویش نهاد و آنگاه ملائک را از نور آفرید، پس هنگامی که ملائک به این پنج نور نگاه کردند مقام و شأن ایشان را بزرگ یافته و در آن زمان تسبیح و تقدیس خداوند را فرا گرفتند، که آیه:

«إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ»^(۱)

نیکو صف آراستهایم و دائم به ستایش مشغولیم

نیز بر این مطلب اشاره می‌کند.

هنگامی که خداوند متعال آدم علیه السلام را خلق نمود آدم علیه السلام به جانب راست عرش نظاره‌ای کرد و آن پنج نور را دید؛ پس گفت: خداوند اینان که هستند؟ خداوند فرمود: «ای آدم اینان برگزیدگان و خواص من هستند که از نور جلال خویش آفریده‌ام و اسامی ایشان را از نام خود مشتق فرمودم.»

پس آدم عرض کرد: خداوند! به حقی که بر ایشان داری سوگندت می‌دهم که اسامی ایشان را به من بیاموزی.

خداوند فرمود: «ای آدم، اسامی ایشان امانتی از من است نزد تو که هیچ کس نباید بر آن آگاهی یابد مگر به اذن و اجازه من.»

آدم علیه السلام عرض کرد: بله ای پروردگار من. پس خداوند از او عهد گرفت و سپس اسامی آن پنج نور را به وی آموخت. آنگاه آن پنج نور را به ملائک عرضه نمود و ملائکه نیز از این اسماء بی خبر بودند.

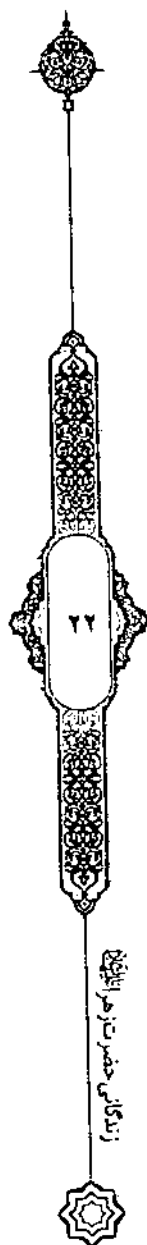
پس آن گاه خداوند به ملائک فرمود: «اگر می‌توانید از این اسماء به من خبر دهید.»

ملائک گفتند: ای ذات پاک و منزّه، چیزی جز آن که به ما آموختی نمی‌دانیم، به درستی که تو بسیار دانا و حکیم هستی.

خداوند فرمود: ای آدم، از آن اسماء به ملائک خبر بده؛ پس هنگامی که آدم علیه السلام به ملائک خبر داد، دریافتند که این اسماء ودیعه‌ای الهی است و دانستند برتری آدم علیه السلام به جهت این علم است؛ سپس خداوند امر کرد ملائکه به آدم سجده نمایند تا برتری آدم اثبات شود و آن سجده، عبادت در برابر پروردگار بود^(۱).

(۱) سادة لا ترید الا رضی الله

كما لا یسرید الا رضاها



(۲) خصها من كماله بالمعاني
و بأعلا اسمائه سماها

(۳) لم يكونوا للعرش الا كنوزاً
خافيات سبحان من أبداهـا

(۴) كم لهم السن عن الله تنبى
هى اقلام حكمة قد براهـا

(۵) وهم الأعين الصحيحات تهدى
كل عين مكفوفة عيناها

(۶) علماء ائمة حكماء
يهتدى النجم باتباع هداها

(۷) قادة علمهم و رأى حجاهم
سمعاً كل حكمة منظراها

(۸) ما أبالى ولو أهيلت على الار
ض السماوات بعد نيل ولاها

(۹) من يباريهم وفى الشمس معنى
مجهـد متعب لمن باراهـا

(۱۰) ورثوا من محمد سبق أولـا
ها وحازوا ما لم تحز اخراها^(۱)

(۱) بزرگانى هستند كه بجز رضاى خداوند نمى خواهند و كارى را جز
براى رضايت او انجام نمى دهند و خداوند نيز همواره رضايت ايشان را
جلب مى كند

(۲) خداوند از حقيقت كمال خویش به ايشان بخشيد و به بزرگترين

اسامی خود اهل بیت را نامگذاری کرد

(۳) وجودشان چیزی نبود جز گنجینه‌های عرش الهی آن هنگام که هیچ موجودی خلق نشده بود و پاک و منزّه است پروردگاری که ایشان را آفرید

(۴) اهل بیت زبان‌های گویایی هستند که از خداوند بشارت می‌دهند و قلم‌های حکمت خداوند هستند که حضرت حق آنها را آفریده است

(۵) دیدگان بینایی که هدایتگر همه مردم هستند

(۶) دانشمندان و حکیمانی هستند که حتی ستارگان آسمان نیز راه خود را بواسطه ایشان می‌یابند

(۷) سرآمدان علم و صاحب نظر هستند که به همگان حکمت می‌آموزند

(۸) با گرویدن به محبت ایشان من از فرو ریختن آسمان بر زمین باکی ندارم

(۹) چه کسی توان برابری با ایشان را دارد چرا که هرکس به مقابله با خورشید قیام کرد عاقبت از پای افتاد

(۱۰) برتری را از جدشان محمد ﷺ به ارث برده‌اند و به مقامی دسته یافته‌اند که هیچ کس به این مقام نرسیده است.